

Research Article

The Pathology of Friendship with Kuffār (Disbelievers) in Islamic Society and the Resolutions for That Based on Sūrah Mumtahinah Using Thematic Analysis¹

Batool MollaShafii¹

Abdul Karim Behjatpour²

Mohammad Nasehi³

1. PhD. Student, Quran and Hadith, Kashan Branch, Islamic Azad University, Kashan, Iran.
n.shafii82@gmail.com

2. Associate Professor, Institute of Islamic Culture and Thought, Qom, Iran (**Corresponding Author**).
b.hr_hd@yahoo.com

3. Assistant Professor, Department of Qur'an and Hadith, Kashan Branch, Islamic Azad University,
Kashan, Iran. *Dr.mnasehi@gmail.com*

Abstract

The purpose of the present study is to review the pathology of friendship with Kuffār (disbelievers) in the Islamic Society and finding resolutions for that based on Sūrah Mumtahinah using thematic analysis. The basic, organizing, general, and final themes in Sūrah Mumtahinah were extracted from the Qur'anic verses and vocabularies in order to discover the themes using thematic analysis. It was determined that the dominant general themes in this Sūrah discourage friendship with disbelievers and encourage obedience to the divine rules in terms of relationship between Muslims and Kuffār. Accordingly, the final theme that is self-esteem and distrust to the enemy was introduced. Moreover, in this regard and with respect to Birā'at jūyī (loathing), the Islamic society faces various moral damages such as the domination of sentiments and extremism in political-social domains so for releasing the Islamic society from such challenges, God Almighty has stated some guidelines like the model of Majesty Ibrāhīm (s) and justice to resolve this problem.

Keywords: Friendship with Kuffār (Disbelievers), Sūrah Mumtahinah, Establishing Justice, Thematic Analysis Method, Majesty Ibrāhīm (s).

1. **Received:** 2020/10/01; **Accepted:** 2021/04/03

* Copyright © the authors

** <http://sm.psas.ir/>



آسیب‌شناسی دوستی با کفار در جامعه اسلامی و راه‌های برون‌رفت آن بر اساس سوره ممتحنه با روش تحلیل مضمون^۱

بتول ملاشفیعی^۱

عبدالکریم بهجت‌پور^۲

محمد ناصحی^۳

۱. دانشجوی دکتری، قرآن و حدیث، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران. n.shafii82@gmail.com

۲. دانشیار، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول). b.hr_hd@yahoo.com

۳. استادیار، گروه قرآن و حدیث، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران. Dr.mnasehi@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر آسیب‌شناسی دوستی با کفار در جامعه اسلامی و راه‌های برون‌رفت آن براساس سوره ممتحنه و با روش تحلیل مضمون می‌باشد. برای کشف مضامین سوره با روش تحلیل محتوا، با مراجعه به آیات و واژگان آن، مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده، مضامین عام و مضمون نهایی، استخراج گردیده و مشخص شد که مضامین عام و حاکم بر سوره، عدم دوستی با کفار و پیروی از احکام الهی در روابط با آنان و مسلمانان بوده و برگرفته از همین مهم، مضمون نهایی آن، خودباوری و عدم اعتماد به دشمن معرفی شده است. لذا جامعه اسلامی در همین راستا و با توجه به زمینه‌ای چون برائت‌جویی، در فرایند شکل‌گیری دارای آسیب‌های اخلاقی متفاوتی مانند غلبه روابط عاطفی در برائت و افراط در برائت‌جویی در عرصه سیاسی- اجتماعی بوده است که خدای متعال برای رهایی جامعه اسلامی از آنها، راهکارهایی مانند الگوگیری از حضرت ابراهیم(ع) و عدالت‌ورزی برای برون‌رفت از آنها را بیان کرده است.

واژه‌های کلیدی: دوستی با کفار، سوره ممتحنه، عدالت‌ورزی، روش تحلیل مضمون، حضرت ابراهیم(ع).

۱. مقدمه

دوران مدینه، مرحله شکل‌گیری جامعه اسلامی و تبدیل اجتماع مؤمنان به گروهی حاکم بود. در این دوره گروه‌های مشرک، اهل کتاب، منافق و انسان‌های ضعیف در کنار متقیان قرار گرفته و متقیان، محور شکل‌گیری جامعه دینی هستند. رهنمودهای الهی در ضمن ۲۸ سوره‌ای که در مدینه نازل شد، مسیر راه را برای رسیدن به جامعه مطلوب و اخلاق سیاسی - اجتماعی پسندیده هموار کرد، اما واقعیت آن است که هر اجتماعی، چه در حالت ساخت و استقرار و چه در حالت تکمیل و تدبیر، برای استمرار حرکت، با چالش‌هایی اخلاقی مواجه می‌شود که می‌تواند مانع روند پیشرفت و یا تداوم حرکت تکاملی آن گردد. لذا، خداوند در سوره‌های متعدد، آن آسیب‌ها را معرفی و راهکارهای خروج از آنها را بیان کرده است.

پژوهش پیش‌رو، با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون، به بررسی آسیب اخلاقی دوستی با کفار در جامعه مدینه و راه‌های برون‌رفت از آن براساس سوره ممتحنه می‌پردازد و در پاسخ، بر این فرضیه تأکید شده است که با رجوع به آیات سوره ممتحنه درمی‌یابیم، زمینه اصلی آسیب‌زای اخلاقی - سیاسی دوستی با کفار را باید در برائت‌جویی از آنان جستجو کرد که به آسیب‌های اخلاقی متفاوتی مانند غلبه روابط عاطفی در برائت و افراط در برائت‌جویی، منجر شده و جامعه مطلوب در این سوره، جامعه‌ای مستقل، باتقوا، ارزشمدار و دارای الگوی برتر مانند حضرت ابراهیم(ع) و جامعه‌ای عدالت‌محور است که همه این موارد می‌تواند بهترین راهکار برای رهایی از آسیب‌های اخلاقی - سیاسی و شکل‌گیری جامعه مطلوب اسلامی فراهم آید. این امر با تکیه بر روش تحلیل مضمون به عنوان یکی از روش‌های تحلیل محتوا انجام شده است که در ادامه بررسی می‌گردد.

اخلاق، از خُلق، به معنای سرشت و خوی است که در صورت درونی و باطنی آدمی به کار می‌رود و با بصیرت درک می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۶ق: ج ۱۰، ص ۸۵). رایج‌ترین و شایع‌ترین کاربرد اصطلاحی اخلاق در بین اندیشمندان و فیلسوفان اسلام عبارت است از صفات و هیئت‌های پایدار در نفس که موجب صدور افعالی متناسب با آنها به‌طور خودجوش و بدون نیاز به تفکر و تأمل از انسان می‌شوند (مصباح یزدی، ۱۳۷۷: ج ۱، ص ۲۳۹).

کارشناس در آسیب‌شناسی، ریشه‌یابی بی‌نظمی‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی و اعمال و رفتارهای غیرطبیعی در جامعه را ارزیابی، تجزیه و تحلیل می‌کند (مساواتی آذر، ۱۳۸۱: ص ۳). آسیب‌شناسی اخلاقی، شناخت عوامل و متغیرهایی است که جامعه اسلامی را از اصول و اهداف اصلی خود دور

می‌کند، این آسیب‌شناسی، تکاپویی نظری برای شناخت موانع حرکت از وضع موجود به سمت وضع مطلوب اخلاق اجتماعی است.

در این زمینه کتب و مقالاتی به عنوان پیشینه پژوهش، وجود دارد، از جمله کتاب «بیان قرآن، تفسیر سوره ممتحنه» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹) که با توجه به رویکرد سیاسی-اجتماعی رهبری، برخی از زوایای دوستی با کفار را بررسی کرده است. کتاب دیگر «فتنه و نفوذ دشمن با محوریت سوره ممتحنه» (علایی‌فرد، ۱۳۹۵)، به بررسی و تفسیر آیات، با رویکرد رابطه با دشمن پرداخته است. اما اثری که به طور خاص به آسیب‌شناسی اخلاق دوستی با کفار براساس روش تحلیل مضمون پرداخته باشد، یافت نشد و از این جهت پژوهش حاضر، دارای نوآوری است.

۲. شناسه و محتوای سوره ممتحنه

سوره ممتحنه به اتفاق تمام مفسرین، مدنی است و از حیث ترتیب نزول یکمین سوره پس از سوره احزاب و پیش از سوره نساء نازل شده است. (بهجت‌پور، ۱۳۹۴: ص ۴۱۰). نام‌های این سوره عبارتند از: «مُمتَحَنه»، «امتحان» و «مَوَدَّت». نام‌گذاری این سوره به «ممتحنه» و «امتحان» به سبب آیه دهم می‌باشد و درباره زنانی است که از مکه به مدینه پناهنده می‌شدند و پیامبر (ص) دستور داد تا آن زنان را امتحان کنند (قرائتی، ۱۳۸۸: ج ۹، ص ۵۶۹) و وجه تسمیه آن به مودت به خاطر نهی از مودت مشرکان در نخستین آیه سوره است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱: ج ۲۴، ص ۵). شأن نزول آن نیز برای آن است که «حاطب بن ابی بلتعنه» از مسلمانانی بود که به مدینه مهاجرت کرده بود، اما برخی از اعضای خانواده‌اش در مکه بودند، او با نامه‌نگاری قصد داشت تا به مشرکین مکه خبر دهد که پیامبر اسلام (ص) آماده فتح مکه است، اما جبرئیل نازل شد، پیامبر (ص) را خبردار کرد و علی (ع)، نامه را از پیک نامه‌رسان گرفت و برگرداند (بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۵، ص ۳۵۲). آیه اول سوره مسلمانان را از دوستی با مشرکین بازداشت، هرچند که از خویشان باشد.

بعضی از مفسرین نیز محتوای این سوره را به دو بخش تقسیم کرده‌اند، بخش اول از مسأله «حب فی الله» و «بغض فی الله» و نهی از طرح دوستی با مشرکان سخن می‌گوید، بخش دوم، پیرامون زنان مهاجر و آزمایش امتحان آنها است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۲۴، ص ۵؛ بهجت‌پور، ۱۳۹۴: ص ۴۱۱). از نظر بعضی از مفسرین، مهم‌ترین اهداف این سوره عبارتند از: تعیین محورها و مقررات سیاست خارجی

مسلمانان در رابطه با دشمنان اسلام و یادآوری رستاخیز (رضایی اصفهانی، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۳۱۳). سوره ممتحنه به اَمّت مسلمان می‌آموزاند که راه خود را پیمایند، لذا در آغاز سوره، مؤمنان را متوجّه می‌کند که از دوستی با کافران دوری کنند. از آن‌رو که آن دوستی، گمراهی از راه درست و صراط مستقیم است و دشمنان به دوستی تظاهر می‌کنند (مدرسی، ۱۴۱۹ق: ج ۱۵، ص ۲۹۲). در تفسیر «فی ظلال القرآن» آمده که این سوره حلقه‌ای در سلسله تربیتی، ایمانی، تنظیم اجتماعی و دولت در جامعه مدینه است، حلقه‌ای از آن زنجیره طولانی و از آن روش الهی برگزیده برای جامعه اسلامی که برای زندگی انسانی، صورتی واقعی و کاربردی دارد (سید قطب، ۱۴۲۵ق: ج ۶، ص ۳۵۳۶).

۳. روش تحلیل مضمون

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون، به تجزیه و تحلیل سوره ممتحنه و استخراج غرض اصلی و محوری آن، انجام شده است. تحلیل مضمون^۱ یکی از معروف‌ترین اشکال برای تحلیل در پژوهش‌های کیفی است (Braun & Clarke, 2006: P.78). در تحلیل مضمون به عنوان نوعی از روش تحلیل محتوا، تکیه محقق بیش از هر چیز، روی مضامین و محتوای پیام و متن است. در این روش، پژوهشگر تلاش می‌کند به جای استفاده از مقیاس‌ها و پرسش‌نامه‌های از پیش طراحی شده، مضامین متن را مورد سنجش قرار دهد (نوندورف، ۱۳۹۵: ص ۱۹۲-۱۹۳) و کاربرد اصلی آن برای تحلیل داده‌های متفاوت یک متن است. به بیان دیگر، تحلیل مضمون، بر بررسی محتواها و الگوهای معنایی در داده‌های یک متن متمرکز می‌باشد (Daly, Kellehear & Gliksman, 1997: P.614). در این روش، مضمون در واقع، یک معنای کلان و کلی در یک متن است که همه محتواها و واژگان دیگر به نحوی بر گرد آن می‌چرخند و مهم کشف آن محتوا می‌باشد. «این روش بر شناسایی، تجزیه و تحلیل، الگوهای تفسیر معانی یا مضامین، با تاکید و تکیه بر داده‌های کیفی مبتنی است» (Braun & Clarke, 2006: P.79). مضمون هم غالباً از تکرار درون‌مایه‌ها، محتوا و مفاهیم به دست می‌آید. در کنار آنها و مفاهیم صریح، معانی ضمنی نیز دارای ارزش بالایی هستند که مورد توجه قرار می‌گیرند، هرچند که ممکن است آن معانی، محتواها و داده‌ها، با یکدیگر، هم‌پوشانی نیز داشته باشند. بسیاری از کتب و مقالات مرتبط، این روش را در

چند گام و مرحله معرفی کرده‌اند که مشهورترین آنها، شش مرحله است، اما به نظر می‌رسد که می‌توان آنها را در یکدیگر ادغام کرد (Braun & Clarke, 2006: P.79). مرحله اول، مشاهده متن، خوانش و آشنایی با واژگان و مفاهیمی است که در متن وجود دارد. مرحله دوم، کدسازی داده‌ها بوده که بیشتر برای مدیریت و تنظیم آنها به کار می‌رود. مرحله سوم، ایجاد مفاهیم پایه و بنیادین می‌باشد، اینکه چه داده‌ای مفید است و کدام، کارآ نیست و مقایسه و تحلیل آنها، تا بتوان به آن مضمون فراگیر دست یافت. کشف ارتباط میان داده‌ها و مضامین، در این مرحله انجام می‌شود. مرحله چهارم، مرور و تحلیل اطلاعات و داده‌ها و نام‌گذاری مضامین است. مجموعه این مراحل، ما را به فهم و درکی نظام‌مند از متن می‌رساند تا به مضمون نهایی آن دست یابیم.

۴. مضامین سوره ممتحنه با بهره‌گیری از گام‌های روش تحلیل مضمون

تحلیل مضمون بیان می‌کند که آیات سیزده‌گانه سوره ممتحنه، در جستجوی یک غرض کلی هستند تا آن را برای مسلمانان بیان کند. برای کشف این غرض، روش تحلیل مضمون، چند گام و مرحله را پیشنهاد می‌کند.

اول، بررسی متن و شناخت اولیه از آن: این امر در سوره ممتحنه با بررسی آیات، واژگان آنها و با استفاده از برخی تفاسیر انجام می‌شود.

دوم، در این مرحله، کدگذاری داده‌های به دست آمده، انجام می‌شود و با تکیه بر مفاهیم و برخی از قطعات آیات، مضامین به دست آمده، دارای شناسه می‌گردند.

سوم، دسته‌بندی مضامین است، در این مرحله، چند دسته مضمون به دست می‌آید، دسته اول، مضامین بنیادین و پایه‌ای است، آن مضامین کلیدی که از آیه یا آیات به دست می‌آیند؛ پس از آن، مضامین سازمان‌دهنده قرار دارند که از ترکیب و ادغام مضامین بنیادین به دست می‌آیند، در مرحله بعد، مضامین عام و فراگیر استخراج می‌شوند، آن مضامینی که از کلیت چند آیه به دست می‌آید و روح حاکم بر آنها است. چهارم، مقایسه و ترکیب مضامین چندگانه است که از درون هر کدام، مضامین کلان و در آخر، مضمون نهایی به دست می‌آید که در متن و سوره، دارای بسامد بالایی است و بقیه مفاهیم به نحوی به آن مفهوم محوری ارتباط دارند و بر گرد آن، سامان می‌یابند و تحلیل می‌شوند. در واقع با مقایسه چند لایه و گام به گام، مفسر متن، به هسته مرکزی متن دسترسی پیدا کرده و آن را کشف می‌کند.

در آیات ۱-۴، مضامین بنیادین از دوستی با کفار نهی می‌کند و هشدار می‌دهد که اگر کفار بر مسلمانان چیره شوند، به آزار آنان روی می‌آورند و اینکه از ابراهیم(ع) در برائت‌جویی از کفار و خویشان کافر الگوگیری کنند. در آیات ۵-۹ بحث از مضامینی پایه مانند ایمان و عدالت به عنوان دو ملاک پایه برای دوستی و دشمنی است و در آیات پایانی ۱۰-۱۳، مضامینی چون حاکمیت احکام الهی و تقوا و دوستی نکردن با مغضوبین است. این مضامین، مستقیم از آیات به دست آمده‌اند، سپس این مضامین، آنگاه که در کنار هم تحلیل می‌شوند، چند مضمون سازمان‌دهنده، مانند عدم اتکاء به دشمن، معیار بودن عدالت، ایمان و حاکمیت احکام الهی در همه روابط، برداشت می‌شود و برآیند کلی مضامین بنیادین و سازمان‌دهنده، ما را به مضمون فراگیری عدم دوستی با کفار می‌رساند. در جدول شماره ۱ دسته‌بندی آیات سورة ممتحنه و سپس تحلیل مضمون آن بیان شده است.

جدول ۱- مضامین سورة ممتحنه

شماره آیه	آیات	مضامین بنیادین	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین عام و فراگیر
۱	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ إِن كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْ مِثْلَ مَا هَذَا فَلَنْ يُبْعَثَ سِوَاءَ السَّبِيلِ	عدم دوستی با کفار و عدم نفاق‌ورزی	۱. مضمون سازمان‌دهنده آیات ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۹ و ۱۳	عدم دوستی با کفار
۲	إِنْ يَتَقَفُوا مِنْكُمْ لَكُمُ الْعَدَاءُ وَيَسْتُلُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتَهُم بِالسُّوءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ	آزار زبانی و عملی کفار در صورت چیرگی	۲. مضمون سازمان‌دهنده آیات ۷، ۸: عدالت و ایمان، ملاک هرگونه	
۳	لَنْ تَفْعَلَهُمْ أَزْهَامًا وَلَئِنْ تَوَلَّوْا يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءُ وَيَسْطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتَهُم بِالسُّوءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ	نفع نداشتن فرزند و خویشان در روز قیامت	۳. مضمون سازمان‌دهنده آیات ۷، ۸: عدالت و ایمان، ملاک هرگونه	
۴	قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ إِنَّا فَارِقُونَ لَكَ الْمَصِيرُ وَمَا أَمَّلِكَ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ	الگو بودن ابراهیم(ع) و پیروان او برای اهل ایمان در برائت‌جویی از کفار و خویشان کافر	۴. مضمون سازمان‌دهنده آیات ۷، ۸: عدالت و ایمان، ملاک هرگونه	
۵	رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَافْرِزْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ	دعا برای فتنه‌نشدن و هدف قرار نگرفتن مومنین در جبهه کفار	۵. مضمون سازمان‌دهنده آیات ۷، ۸: عدالت و ایمان، ملاک هرگونه	
۶	لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَمَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ	قراردادن سرمشقی نیکو برای اهل ایمان	۶. مضمون سازمان‌دهنده آیات ۷، ۸: عدالت و ایمان، ملاک هرگونه	

شماره آیه	آیات	مضامین بنیادین	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین عام و فراگیر
۷	عَسَىٰ اللَّهُ أَن يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوْدَّةَ وَاللَّهِ قَلِيلٌ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ	ایمان، ملاک دوستی و دشمنی	دوستی و دشمنی و روابط	
۸	لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ	عدالت‌ورزی و نیکی حتی نسبت به کفار	دوستی و دشمنی و روابط با کفار و مسلمانان	
۹	إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَن تَوَلَّوهُمْ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ فَاُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ	نهی از دوستی با جنگ‌جویان در کار دین و اخراج‌کنندگان مسلمانان		
۱۰	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمْ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا مِنْ حِلٍّ لَّهُنَّ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَأَتَوْهُنَّ مَا اتَّفَقُوا عَلَيْهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَن تَنكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَلَا تُمْسِكُوا بِعَصَمِ الْكُفَّارِ وَاسْأَلُوا مَا أَتَّفَقْتُمْ وَلَيْسَ أَلَا مَا اتَّفَقُوا عَلَيْكُمْ فِي الْحُكْمِ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ	حاکمیت احکام الهی در روابط با زنان مومن و کافر	۳. مضمون سازمان‌دهنده آیات ۱۰، ۱۱ و ۱۲: حاکمیت احکام الهی در روابط خانوادگی با مومنان و کفار	پیروی از احکام الهی در روابط با مسلمانان
۱۱	وَإِن فَاتَكُمْ شَيْءٌ مِنَ الْأَوْجَاعِ كُمْ إِلَى الْكُفَّارِ فَمَاتُوا الَّذِينَ ذَهَبَتْ أَرْوَاجُهُمْ يُحِلُّ مَا اتَّفَقُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ	حاکمیت تقوا و احکام الهی در پرداخت و جبران خسارت‌ها		
۱۲	يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَن لَا يُغْنِيَنَّ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يُسْرِفْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِهَتَائِلٍ يَقْتَرِبْنَ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلَيْهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ بَيَّاهُنَّ وَاسْتَغْفِرَ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ	بیعت پیامبر(ص) با زنان مومن به شرط ایمان و عمل راستین		
۱۳	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَسُوءُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَبِئْسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ	دوستی نکردن با قومی که خداوند بر آنها خشم گرفته		
مضمون نهایی: خودباوری و عدم اعتماد به دشمن				

آیات و سیاق سوره ممتحنه، به ما بیان می‌کند که هسته مرکزی و مضمون نهایی این سوره، عدم دوستی مؤمنان با کفار است و به شدت از آن نهی می‌کند. هم در ابتدای سوره متعرض آن است و هم در آخر و در خلال آیاتش متعرض احکامی درباره زنان مهاجر و بیعت زنان شده است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱۹، ص ۲۲۶). گویی امتحان زنان مهاجر نیز برای آن است تا صداقت آنان در عدم دوستی با کفار، احراز گردد و با اطمینان از این امر، آنان از کمند دشمنی مسلمانان رها شوند. با این وصف، محتوای مرکزی این سوره، عدم دوستی و عدم اعتماد به کفار می‌باشد و بقیه مفاهیم و مضامین به نحوی با این مفهوم مرکزی در

ارتباط می‌باشد.

می‌توان گفت که مضمون نهایی و غایی نهی از دوستی با کفار، هم تعهد اعتقادی باور به خدای متعال وجود دارد، هم تعهد سیاسی عدم ارتباط با کفار و هم تعهد اخلاقی-اجتماعی خودباوری که موجب تنظیم روابط مسلمانان با کفار می‌شود.

۵. عدم دوستی با کفار در سوره ممتحنه

با توجه به مضمون نهایی سوره، در ادامه زمینه آسیب‌های اخلاقی، آسیب‌ها و راهکارهای مرتبط با آن ارائه می‌شود.

۵-۱. زمینه آسیب اخلاقی: برائت‌جویی از کفار

خداوند در آیه اول سوره ممتحنه، تاکید می‌کند که مسلمانان نباید کفار و مشرکین را دوست خود بگیرند. این برائت‌جویی اگر به درستی انجام نشود و گرفتار افراط و تفریط شوند، می‌تواند زمینه‌ساز آسیب‌های اخلاقی در عرصه اجتماعی و در ارتباط با کفار گردد. خداوند خطاب به آنان فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ» (ممتحنه، ۱)، «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، دشمن من و خود را دوست خویش قرار ندهید».

کلمه «عدو» هم بر يك نفر و هم بر جمع دشمنان اطلاق می‌شود و مراد از عدو در این آیه، جمع آن می‌باشد، به قرینه این‌که خدای متعال فرموده است، «اولیاء خود نگیرید» و نیز به قرینه ضمیر جمع در «الیهم». منظور از این دشمنان، مشرکین مکه هستند و دشمنی با خدا به خاطر مشرک بودنشان است و دشمنی با مؤمنین برای آن بود که مؤمنین به خدا ایمان آورده بودند. ذکر مؤمنین در کنار خداوند برای تاکید بر منع و دوری از دوستی است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱۹، ص ۲۲۷). برخی از مسلمانان سست ایمان، با کفار دوستی می‌کردند: «تَلْقَوْنَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ» (ممتحنه، ۱)، یعنی به واسطه رابطه دوستی میان برخی از مسلمانان و کفار، اخبار پیغمبر (ص) را برای آنان می‌رساندند (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۲۴، ص ۳۶۱). مراد از «تَلْقَوْنَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ»، اظهار دوستی بوده و جمله حالیه است، یعنی در حالی شما با آنان دوستی می‌کنید که آنان به دین شما باور ندارند: «وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱۹، ص ۲۲۷) و در ادامه چنین بیان می‌شود که «إِنْ كُنْتُمْ حَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي»، «اگر غرض شما در بیرون رفتن و هجرت کردن طلب رضای من است، پس طرح دوستی با ایشان نیفکنید» (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۲۴،

ص ۳۶۰). ادامه آیه برای توضیح بیشتر می‌افزاید: «شما مخفیانه با آنها رابطه دوستی برقرار می‌سازید، در حالی که من آنچه را پنهان یا آشکار می‌کنید از همه بهتر می‌دانم»، «تُسِرُّونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ»، در لغت آمده است «الإِسْرَارُ»، خلاف الإعلان، أُسْرَرْتُ إِلَى فلان حدیثا: سخن را پنهانی به او رساندم. اینکه خدا فرمود «تُسِرُّونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ»، یعنی به مهر و محبتی که از آنان در سینه دارند، آگاه‌شان کنید (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ص ۴۰۴). پس از آن، خداوند به برخی از مسلمانان هشدار می‌دهد که هر کس با آنان دوستی ورزد، گمراه شده است. «هم از راه معرفت خدا منحرف گشته که گمان کرده چیزی بر خدا مخفی می‌ماند و هم از راه ایمان که طرح دوستی با دشمنان خدا ریخته و هم تیشه به ریشه زندگانی خود زده و دشمن را از اسرارش با خبر ساخته است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۲۴، ص ۱۳).

در آیه دوم، چرایی عدم دوستی با کفار توضیح داده می‌شود، زیرا همین کسانی که مسلمانان با آنها اظهار دوستی کرده‌اند، اگر بر آنان چیره شوند، دست‌هایشان را به اسارت، آزار و کشتن و زبان‌هایشان را به بدگویی، ناسزا می‌گشایند و آرزو دارند که ای کاش آنان نیز کافر شوند (ممتحنه، ۲).

در تفسیر روح‌المعانی آمده است که «إِنْ يَتَّقَوْكُمْ» ای «إِنْ يَظْفَرُوا بِكُمْ» یعنی اگر پیروز شوند (آلوسی، ۱۴۱۵ق: ج ۱۴، ص ۲۶۲). «يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً»، «یعنی دوستی با آنان برای شما نفعی ندارد و آرزوی کفر شما را دارند، هرچند به آرزو باشد، یعنی با آنان دوستی نکنید، زیرا که با نهایت دشمنی با شما هستند (ایبجی، ۱۴۱۲ق: ص ۲۹۹). دوستی پنهان با کفار به منظور جلب محبت آنان، در رفع عداوتشان نسبت به مومنین، هیچ سودی ندارد و مشرکین علی‌رغم این مودت‌ها، اگر به ایشان دست یابند، دشمنی خود را اعمال می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۹، ص ۲۲۸).

جالب آنکه انسجام محتوایی بین آیه اول و آخر سوره وجود دارد، خداوند در آخرین آیه بار دیگر به مومنین هشدار می‌دهد کسانی را که خداوند بر آنان غضب کرده است و از آخرت ناامیدند، به دوستی نگیرید (ممتحنه، ۱۳). ابن عاشور می‌گوید، این آیه، مفاد آیه اول را تاکید می‌کند، قومی که مورد خشم قرار گرفته‌اند، مشرکین هستند که در آیه اول، به دشمن خدا وصف شده بودند (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق: ج ۲۸، ص ۱۵۱).

به هر حال، لزوم برائت‌جویی مسلمانان از دشمنان و حتی خویشان کافر، زمینه‌ای گردید تا برخی‌ها نتوانند از روابط عاطفی و منافع دنیوی نزد کفار دل بکنند و لذا همین امر بستری برای فساد اخلاقی در عرصه سیاسی- اجتماعی شد.

۵-۲. آسیب‌های اخلاق سیاسی - اجتماعی در سوره ممتحنه

۵-۲-۱. غلبه روابط عاطفی در برائت

یکی از آسیب‌های اخلاقی که می‌تواند جامعه اسلامی را به تباهی بکشاند، دوستی مسلمانان با کفار به بهانه خویشاوندی است. یکی از چالش‌های اخلاقی که جامعه اسلامی را با مشکل روبه‌رو کرد، عدم برائت شایسته از خویشان و اطرافیان بود، خداوند در سوره ممتحنه، ضمن بیان مسأله برائت، این نکته را طرح می‌کند که برخی از مسلمانان گرفتار روابط عاطفی و خویشاوندی شده بودند و از اقوام کافر خویش دوری نمی‌جستند. خدا با ذکر این نکته که هرگز بستگان و فرزندان‌شان، روز قیامت سودی به حال آنان نخواهد داشت، یادآور می‌شود که مسلمانان نباید گرفتار این آسیب شوند (ممتحنه، ۳).

آیه، این نکته را بیان می‌کند که اگر حفظ ارحام به قیمت عذاب دوزخ برای مسلمانان، تمام شود، قطعاً و عقلاً نباید درصدد حفظ آنان برآیند و با دشمنان خدا دوستی کنند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۹، ص ۳۹۲). در ادامه سوره نیز خدای متعال این عدم دوستی را یادآور می‌شود. در آیه نهم ممتحنه آمده است که مسلمانان با کسی که با آنان پیکار کنند، هرگز دوستی نورزند، آنان در حق مسلمانان ظلم کرده‌اند، «وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَاُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (ممتحنه، ۹).

آیه پایانی سوره، دوباره این امر مهم را یادآوری می‌کند که شما نباید آنها را به دوستی برگزینید و اسرار خود را در اختیار آنها بگذارید. در اینکه «مغضوب علیهم»، چه کسانی هستند، بعضی گفته‌اند قوم یهود می‌باشند (طبری، ۱۴۱۲ق: ج ۲۸، ص ۵۴)، هرچند این تفسیر با شأن نزول آن هماهنگ است، چنان‌چه جماعتی از بنوایان و مستمندان مسلمین به یهودی‌ها اخبار مسلمین را می‌رسانیدند و گزارش می‌دادند تا شاید از میوه‌جات آنها بهره‌مند شوند، پس خداوند از آن نهی فرمود (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۹، ص ۴۱۵). اما می‌توان گفت که آیه، مفهوم گسترده‌ای دارد که همه کفار و مشرکین را شامل می‌شود، از خویشان باشد یا نباشد و تعبیر به غضب در اینجا فقط منحصر به «یهود» نیست، و شأن نزول نیز مفهوم آیه را محدود نمی‌کند. تفسیر «من وحی القرآن» نیز، غضب را شامل همه کفار و مشرکین می‌داند: «کل الذین تمردوا علی الله فی رسالاته، لأن عنوان الغضب یشمل الجميع» (فضل الله، ۱۴۱۹ق: ج ۲۲، ص ۱۷۲).

پس روابط عاطفی مسلمانان با کفار و عدم برائت‌جویی از آنان، آسیبی است که ممکن است جامعه اسلامی با آن روبه‌رو شود، لذا، خداوند در ادامه سوره، بحث از حضرت ابراهیم(ع) و پیروانش را طرح

می‌کند، الگویی که روابط عاطفی موجب نگریدید تا از دشمنان خدا و خود، برائت نجوید (ممتحنه، ۴) و مسلمانان باید از او الگو بگیرند.

۵-۲-۲. افراط در برائت‌جویی

یکی از آسیب‌های اخلاق اجتماعی در جامعه صدر اسلام، افراط‌گری در برائت‌جویی بود، به این معنی که برخی از مسلمانان می‌پنداشتند که از کفار و مشرکان هر کس که باشد، حتی کسانی که به آنان ستم نکرده‌اند، نیز بیزاری جویند، در حالی که آنان مشرک بودند، اما به مسلمین هم آزاری نمی‌رساندند، خدا در آیه هشتم، بیان می‌کند که نسبت به کسانی که به شما ستم نکرده‌اند، راه عدالت در پیش گیرید (ممتحنه، ۸). بعضی از مفسران در مورد این آیه روایت کرده‌اند که همسر مطلقه ابوبکر برای دخترش اسماء، هدایایی از مکه آورد، اما او از پذیرش آنها، امتناع کرد و حتی اجازه ورود به مادرش نداد، آیه فوق نازل شد و پیامبر (ص) به او دستور داد، مادرش را بپذیرد و هدیه‌اش را قبول کند (حق‌ی برسوی، بی‌تا: ج ۹، ص ۴۸۱). آیه نشان می‌دهد که تمام کفار شامل حکم برائت نبودند. آیه يك اصل کلی در چگونگی رابطه مسلمانان با غیر مسلمین ارائه می‌کند و آن اینکه مسلمانان موظفند در برابر دشمنان یا کسی که دشمنان اسلام را یاری دهد، بایستند و پیوند محبت را با آنها قطع کنند، اما اگر آنها نسبت به اسلام و مسلمین بی‌طرف بمانند و یا تمایل به دوستی داشته باشند، مسلمین می‌توانند با آنها رابطه دوستانه برقرار سازند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۲۴، ص ۳۳). با توجه به همین نکته است که خداوند به برائت‌جویی افراطی و بی‌منطق مسلمانان، هشدار می‌دهد که در نوع روابط خود با کفار، به شکلی سنجیده عمل کنند تا «کفار و مشرکانی که در قتال و اخراج مسلمانان از مکه، گام برنداشته بودند، مورد تبری نباشند (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ج ۱۶، ص ۲۹۹). پس نهی از دوستی تنها با کفار حربی، به ویژه سران قریش و مشرکان مکه بود، اما درباره گروهی از کفار که برای مسلمانان مشکلی درست نمی‌کردند، اظهار محبت و نیکی کردن جایز است و خداوند به رفتار عادلانه با آنان دستور می‌دهد. این حکم، موجب گردید تا مسلمانان از آسیب افراط در برائت‌جویی، دور بمانند.

۶. درمان و راهکارها

روش و شیوه قرآن کریم آن است که در کنار آسیب‌شناسی، راهکارها و درمان را نیز بیان می‌کند، چنین نیست که درد بیان شود و درمان بعدها ذکر گردد، درد و درمان در کنار هم است، در آموزه‌ها و آیات قرآن

کریم و در همان سوره، راهکارهای پیشگیری و درمان آسیب‌ها نیز به طور کلی یا جزئی بیان شده است. آنچه در ادامه ذکر می‌شود، راهکارهایی است که در سوره ممتحنه برای رفع آسیب‌های مذکور، بیان شده است.

۶-۱. الگوگیری از ابراهیم(ع)

یکی از راهکارهای مهم در این سوره، ارائه اسوه و الگوگیری از او است تا راه و روش او را در پیش گیرند. خدا به مسلمانان سفارش می‌کند تا حضرت ابراهیم(ع) را به عنوان الگو قرار دهند تا در برابر کفار، همچون ابراهیم عمل کنند و او را در برانت‌جویی از مشرکین، الگو سازند. خداوند می‌فرماید: «برای شما در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند، اسوه خوبی وجود داشت» (ممتحنه، ۴). معنای آیه اقتدای نیکو به ابراهیم است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۹، ص ۳۹۴). در تفسیر الفرقان آمده است که خدای متعال در آیه ۲۱ سوره احزاب: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب، ۲۱) رسول‌الله را اسوه حسنه مسلمانان معرفی می‌کند که شامل احوال، رفتار و گفتار آن حضرت بوده و آن حضرت، کامل‌تر از حضرت ابراهیم(ع) است که در سوره ممتحنه ذکر شده و مسلمانان را به الگوگیری از ابراهیم در برانت‌جویی از عمویش، امر می‌کند (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶: ج ۲۸، ص ۲۷۵).

در آیه بعد، دعای حضرت ابراهیم(ع) است که، خدایا ما را وسیله آزمایش و هدف آزار کفار قرار مده تا بر ما چیره شوند (ممتحنه، ۵) و در ادامه می‌فرماید: «وَ اغْفِرْ لَنَا»، ما را ببخش اگر گاه بر خلاف ارزش‌ها، با دشمنان، دوستی کرده‌ایم. در آخرین آیه درباره الگوگیری، خدای متعال بار دیگر تکیه می‌کند که: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (ممتحنه، ۶) و تکرار مطلب برای تاکید است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۹، ص ۳۹۹).

خداوند سپس وجه الگویی ابراهیم(ع) را بیان می‌کند که او و پیروانش به کفار می‌گویند که ما از شما و آنچه غیر از الله می‌پرستید، بیزار هستیم (ممتحنه، ۴) و سپس آمده است که ما به شما کفر می‌ورزیم و میان ما و شما دشمنی و کینه همیشگی پدیدار شده تا وقتی که به خدا ایمان آورید (ممتحنه، ۴). در ادامه، وجهی دیگر از الگو بودن ابراهیم(ع)، نقل می‌شود که حضرت ابراهیم(ع) برای عموی خود، طلب استغفار کرد: «إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ». در تفاسیر آمده است که ابراهیم(ع) بدین سبب برای عمویش درخواست آمرزش کرد که به او وعده داده بود که به رسالتش ایمان می‌آورد (توبه، ۱۱۴)، اما زمانی که

روشن شد او هم چنان بر شرك پافشاری می‌کند، از او بیزاری جست (مغنیه، ۱۳۷۸: ج ۷، ص ۴۹۸). اما این دعا، نشان از دلسوزی و حلم (توبه، ۱۱۴) و مهربانی ابراهیم (ع) دارد که در کنار اظهار برائت از کفر عمومیش، برای او استغفار نیز می‌کند. بعضی از مفسرین گفته‌اند که عبارت‌های «إِنَّا بُرَآؤُا»، «كَفَرْنَا بِكُمْ» و «بَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُم» - چنان که ظاهر ترتیب مقتضی آن است - بیانگر سه مرحله متوالی است: برائت از مشرکان، انکار شخصیت و کفر به آنان و دشمنی علنی با ایشان (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶: ج ۱۸، ص ۴۹۷). دشمنی و بغض با کفار گسسته نمی‌شود، تا آنگاه که به خدای یگانه ایمان آورند و این گسست، قطعی و حتمی است (سید قطب، ۱۴۲۵ق: ج ۶، ص ۳۵۴۳).

پروردگار برای تحریض بر ضد کافران، مؤمنان را به تأسی از ابراهیم (ع) تشویق می‌کند که در عهد او مؤمنانی بودند که از قوم کافر خود بیزاری جستند و به خدا توکل کردند و اعلام بر اینکه دوست‌گیری مشرکین، گمراهی است (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق: ج ۲۸، ص ۱۱۷). به هر حال، مسلمانان در آن زمان، گرفتار افراط و تفریط شده بودند و گاه با یهودیان مدینه، دوستی می‌کردند، از این جهت، خداوند برای آنان، یک الگو مانند حضرت ابراهیم (ع) معرفی می‌کند تا در منطق دوستی یا برائت‌جویی از کفار، به انحراف نیفتند.

۶-۲. عدالت‌ورزی

یکی از راهکارهای دیگری که در این سوره، طرح شده، عدالت‌ورزی است، ارزشی که با فراگیر شدن آن، جامعه دارای شرایط و زمینه‌هایی می‌گردد که هر صاحب‌حقی، به حق خود می‌رسد و امور جامعه، به تناسب و تعادل در جای شایسته و بایسته قرار می‌گیرد (سیدباقری، ۱۳۹۶: ص ۳۴). یکی از مفاهیم قرآنی در باب عدل، «قسط» می‌باشد که در لغت به معنای، میزان، سهم و نصیب است. وقتی گفته می‌شود «تَقْسُطُوا الشَّيْءَ بَيْنَهُمْ»، به معنای تقسیم به عدل و برابری می‌باشد. «قسطاس المستقیم» (اسراء، ۳۵) نیز که در قرآن به کار رفته، برگرفته از این واژه می‌باشد (ابن منظور، ۱۴۱۶ق: ج ۵، ص ۸۶). قسط به معنای آن است که حق کسی را به دیگری ندهند و تبعیض روا ندارند (شریعتمداری، ۱۳۷۵: ج ۳، ص ۱۲۰).

خدا در سوره ممتحنه، در عین آنکه مسلمانان را از دوستی با کفار نهی می‌کند، اما از آنجا که ممکن است آنان گرفتار افراط و تفریط شوند و از مسیر عدالت دور گردند، به آنان بیان می‌کند با افرادی که با آنان نجنگیده‌اند و از دیارشان بیرون نرانده‌اند، عدالت ورزند: «أَنْ تَبْرُوهُمْ وَتَقْسُطُوا إِلَيْهِمْ» (ممتحنه، ۸).

در ادامه چنین اضافه می‌شود که خداوند دادگران را دوست دارد: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (ممتحنه، ۸).

مراد، غیر اهل مکه است که با مسلمانان در امر دین، جنگ نکرده بودند و با مسلمانان، پیمان داشتند. «بَرّ»، مصدر «تَبَرَّوْهُمْ»، به معنی احسان است و «اقساط»، مصدر «تَقْطُطُوا»، معامله به عدل می‌باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱۹، ص ۲۳۴). به بیان سید قطب، آیه از عدل و نیکی نسبت به هر امتی که رویکرد مسالمت‌آمیز و نیکی دارد، نهی نمی‌کند، سیاق و محتوای آیه تنها درباره مشرکینی است که نقض عهد کردند و سیاست خصمانه در برابر مسلمانان داشتند (سید قطب ۱۴۲۵ق: ج ۳، ص ۱۵۹۰)، بلکه باید بر طبق پیمان با آنان با عدالت رفتار نمود، «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ»، این آیه تصریح نموده که از این گروه نباید تبری کرد، بلکه در اثر عهد آنان با مسلمانان باید به قسط رفتار نمود (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق: ج ۱۶، ص ۲۹۹). جالب آنکه در آیه، تعبیر به «أَنْ تَبَرَّوْهُمْ» شده است، یعنی حتی می‌توانید به آنان که با شما دشمنی نکردند، نیکی کنید. بنابراین، با توجه به مواردی که گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که یکی از راهکارها، برای رهایی از افراط‌جویی در بیزاری از دشمن به عنوان یکی از آسیب‌های اخلاقی در جامعه اسلامی، عدالت‌ورزی، حتی با کافران است، آن سان که نباید تفریط کرد و با کسانی که با مسلمانان سر جنگ دارند، دوستی کرد، عدالت به همراه خود نوعی تعقل و اعتدال در روابط دوستانه با دیگران می‌آورد. هرچند امر به عدالت با دشمنان (مائده، ۲، ۸) در دیگر سوره‌های قرآن کریم نیز مورد تأکید است، اما در این سوره بحث از عدالت در روابط با دشمنان می‌باشد.

۷. نتیجه‌گیری

روش تحلیل محتوا به پژوهشگر یاری می‌دهد تا بتواند مضامین چندگانه و چندلایه یک متن را بفهمد و بشناسد، دسته‌بندی کند و او را به مضمون نهایی و تحلیل متن، راهبری نماید. با وجود موضوعات و مفاهیمی که در سوره ممتحنه طرح گردیده است، اما با بهره‌گیری از این روش، دستیابی به مضمون نهایی سوره ممتحنه که عدم دوستی با کفار باشد، فراهم گردید که می‌توان به فهمی تحلیلی از آسیب‌ها و راهکارهای اخلاق سیاسی - اجتماعی ارائه شده در متن دست یافت. با این فرایند می‌توان گفت که از برجستگی‌های این سوره، ارائه راه‌حل‌های اجرایی و عملیاتی است، زیرا که در مدینه، جامعه اسلامی در حال شکل‌گیری بود و باید در مسیرها، چالش‌ها، دوراهی‌ها و آسیب‌ها، مسلمانان مسیری شفاف و عملیاتی در پیش گیرند و رو به جلو حرکت کنند، در این راستا است که هم از دوستی با کفار نهی می‌شوند و هم از دیگر سو، برای آنان الگویی مانند حضرت ابراهیم (ع) معرفی می‌شود و اینکه هیچ‌گاه در روابط

اجتماعی خویش، حتی در ارتباط با دشمنان، عدالت را فراموش نکنند و حقوق دیگران را زیر پا نگذارند. در آیات متعدد، برای راهبری جامعه اسلامی، راهکارهای متناسب با آسیب‌ها ارائه می‌شود، لذا به مسلمانان خطاب می‌شود که در برائت‌جویی و عدم دوستی، ابراهیم(ع) را سرمشق خود قرار دهند که با رویکردی اعتدالی، هم در دام تندروی و کندروی نیفتاد و هم توانست از کفار بیزاری جوید و هم از عدالت دور نگردد.

نکته مهم آن است که خدا از رابطه ولایی و اینکه مسلمانان، کفار را سرپرست خویش گیرند، نهی کرده است، کافر در هر حال نمی‌تواند ولی و سرپرست جامعه اسلامی گردد که مظهر طاغوت است، پس پیروی از آنان در امور شرعی، و همراه شدن با آنان مورد نکوهش می‌باشد، هرچند این امر، به معنی نفی رابطه با کفاری که خواهان رابطه دوستانه هستند، نیست.

منابع

قرآن کریم.

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۶ق). لسان العرب. بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ج ۱، ۵.
۲. ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ق). التحریر والتتویر. بیروت: مؤسسة التاریخ العربی، ج ۲۸.
۳. ایچی، محمد عبدالرحمن (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۴. آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی. بیروت: دار الکتب العلمیه، ج ۱۴.
۵. بحرانی سید هاشم (۱۴۱۶ق). البرهان فی تفسیر القرآن. تهران: بنیاد بعثت، ج ۵.
۶. بهجت‌پور، عبدالکریم (۱۳۹۴). شناخت‌نامه تنزیلی سوره‌های قرآن کریم. قم: موسسه قرآنی تمهید.
۷. حسینی همدانی، سید محمد (۱۴۰۴ق). انوار درخشان در تفسیر قرآن. تهران: انتشارات لطفی، ج ۱۶.
۸. حقی برسوی، اسماعیل (بی‌تا). تفسیر روح البیان. بیروت: دار الفکر، ج ۹.
۹. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۹). بیان قرآن: تفسیر سوره ممتحنه. تهران: انقلاب اسلامی.
۱۰. راغب اصفهانی، محمدعلی (۱۴۱۲ق). مفردات غریب القرآن. بیروت: دارالشامیه، چاپ دوم.
۱۱. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۷۸). تفسیر قرآن مهر. قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، ج ۲۰.
۱۲. سید باقری، سید کاظم (۱۳۹۶). عدالت سیاسی در قرآن کریم. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۳. سید قطب (۱۴۲۵ق). فی ظلال القرآن. بیروت: دار الشروق، چاپ سی و پنجم، ج ۳.
۱۴. شریعتمداری، جعفر (۱۳۷۵). شرح و تفسیر لغات قرآن. مشهد: نشر آستان قدس رضوی، ج ۳.
۱۵. صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶ق). الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه. قم: فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ج ۲۸.
۱۶. طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۰). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ج ۱۹.
۱۷. طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن. ترجمه محمدباقر موسوی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ج ۱۹.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ دوم، ج ۲۴، ۹.
۱۹. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری). بیروت: دار المعرفه، ج ۲۸.
۲۰. علانی فرد، خلیل (۱۳۹۵). فتنه و نفوذ دشمن با محوریت سوره ممتحنه. تبریز: پژوهش‌های دانشگاه.
۲۱. فضل‌الله، محمدحسین (۱۴۱۹ق). تفسیر من وحی القرآن. بیروت: دار الملائک للطباعة و النشر، ج ۲۲.
۲۲. قرائتی، محسن (۱۳۸۸). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ج ۹.
۲۳. مدرسی، محمدتقی (۱۴۱۹ق). من هدی القرآن. تهران: دار محبی الحسین، ج ۱۵.
۲۴. مساواتی آذر، محمد (۱۳۸۱). آسیب‌شناسی اجتماعی ایران. تبریز: انتشارات نوبل.

۲۵. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۷). اخلاق در قرآن. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ج ۱.
۲۶. مغنیه، محمدجواد (۱۳۷۸). ترجمه تفسیر کاشف. ترجمه دانش. قم: بوستان کتاب، ج ۷.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الإسلامية، چاپ دهم، ج ۲۴.
۲۸. نوندورف، کیمبرلی ای (۱۳۹۵). راهنمای تحلیل محتوا. ترجمه حامد بخشی و وجیهه جلالیان بخشنده. مشهد: جهاد دانشگاهی.
۲۹. هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۶). تفسیر راهنما روشی نو در ارائه مفاهیم و موضوعات قرآن. قم: بوستان کتاب، ج ۱۸.
30. Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, Vol. 3, No. 2: P. 77-101.
31. Daly, J., Kellehear, A. & Gliksman, M. (1997). **The public health researcher: A methodological approach**. Melbourne, Australia: Oxford University Press.

استناد به این مقاله

DOI: 10.22034/sm.2021.137420.1613

ملاشفیعی، بتول؛ بهجت پور، عبدالکریم؛ ناصحی، محمد (۱۴۰۰). آسیب شناسی دوستی با کفار در جامعه اسلامی و راه های برون رفت آن بر اساس سوره ممتحنه با روش تحلیل مضمون. *سیاست متعالیه*، ۹(۳۲): ۲۵-۴۲.